

مشاهیر افغانستان

بقلم م. کریم خان نژیوی

کفیتش ابوالقاسم ، اسمش عبدالله بن احمد بن محمود الکعبی است .
وی یکی از اجلة متکلمین بوده ، مؤسس و رئیس طائفه از معتزله

است ، که بنام کعبیه معروفند .

باستانی سیدالسند جرجانی (میرسید شریف) که وی او را در تعریفات (۱) (ابوالقاسم
عمر بن الکعبی) نگاشته ، باقی همه (۲) باسی که ما او را در بالا متذکر شدیم ، یاد کرده اند .
و فراریکه می نگهوند ؛ اصل وی از بلخ (۳) و متاسفانه از مولد و سال تولدش اطلاعی
بدست نیست . و راجع به نسبت وی (کعبی) علامه ابن خلکان می نویسد ؛ که کعبی بفتح
کاف ، سکون عین مهمله و بعد ازان باء موحده نسبت وی است به بنی کعب .

اما استاد فرید وجدی وی را عبدالله بن احمد بن محمودالتنهی المعروف با کعبی قید نموده ،
کعبیه را طایفه و شعبه از قدریه میداند ، که به زعم او با بصرین از معتزله در امور کثیره مخالفت
دارند . درینصورت دو چیز به نسبت سائر کتب راجع به کعبی افزوده است ، یکی وی را التنهی
معروف بکعبی یاد کرده ، شاید که درین جا مراد از تنهی معتزلی گفتن است . که در بعضی از
ماخذ معتبره بنظر وی (وجدی) بهترین رسیده ، و عیناً آنرا قید نموده است . چه مزید بیه
(کلمه نحو) از (باب تفعیل) بر طبقیکه ائمه لغت نگاشته اند . (۴) به معنی آمده ، یکی معنی اعتزال مانند :
تنهی عن موضعه (ای اعتزل) ، دوم معنی اعتماد مثل : تنهی لشیء (ای اعتماد علیه) و سوم
بمعنی استعمال اعراب در کلام نحو : تنهی الرجل (ای استعمال الاعراب فی کلامه) و جای آن ندارد
که مفهوم ثانی و ثالث نیز درین مورد ، بنا بر بعض خصائص شخصی صاحب ترجمه بصحت رسد .
اما بر طریق مفهوم اول (تنهی بمعنی اعتزال) عقلی ترو مقرون بصحت بیشتر میباشد . و
دیگر آنکه کعبیه را از شعبات قدریه مینویسد . درینصورت بر طبق مقررات سائرین خالی از

(۱) تعریفات سیدی ص ۱۲۴ س ۲ . (۲) رجوع شود بوقیبات الاعیان ج اول ص ۲۵۲ ، کتاب الفصیل
فی الملل والاهواء والنحل ابو محمد بن حزم الظاهری ص ۱۹۳ ، دایرة المعارف وجدی ج ۸ ص ۱۶۰ ، قاموس الاعلام
مرحوم حسن الدین سامی ج اول ص ۷۵۳ ، کتاب الانساب سمانی ورق ۴۳۵ .
(۳) وقیبات الاعیان ، کتاب الانساب سمانی ورق مذکور و الاعلام خیرالدین الزرکلی ج ۲ ص ۵۴۴ .
(۴) [المنجد ص ۸۶۲ و مصباح المتبیر احمد بن محمد بن علی المقری الفیومی طبع بولاق ص ۷۲۸]

سهو و خطا بوده و نیست ، و ماحقیقت را تا اندازه که در حیز اقدار و توان ما باشد در بنجا متذکر می‌شوم ؛ طائفه کعبیه که مؤسس آن ابوالقاسم عبدالله کعبی صاحب ترجمه بوده و بنا بر آن بطائفه کعبیه معروف گشته اند. از جمله معتزله بغداد اند ، نه قدریه . و از آن جا ئیکه بغداد و بصره هر دو مدارج ترقی و تمدن را در آن هنگام دارا بوده ، هر یک مرکزیت جدا گانه علمی و ادبی را در عالم اسلام آن وقت تشکیل میداد ، مهد و پرورش گاه عالم ادب و فلسفه در شرق کشته ، محل انبای مختلف علما و فضیای نامداری در آن زمان گردیده بود .

و همچنانکه در علم نحو و صرف جماعه بصریون و کوفیون اختلافات باهم داشته ، و از هر یک نظریات و آراء جدا گانه در بعضی مسائل نحوی و صرفی منقول است . معتزله بغداد و بصره نیز در عین واحد اعترال ، بعضی افکار و عقاید علیجده و مخالف باهم داشته ، در قسمت از مسائل و معتقدات طرق جدا گانه پیش گرفته اند .

و تنها بدینوسیله نمیتوان کعبیه را از معتزله تفکیک و مجزی نموده ، از جمله قدریه عدو احصا نمود . چه تنها چیزیکه در معتقدات کعبیه را با قدریه بهم نزدیک ساخته ، وسیله اتحاد شان میشود ، مسئله قضا و قدر است و بس .

و اگر از بیابان اتحاد عقیده وی کعبیه را با قدریه در نظر گرفته ، حکم بقدریه بودن آنها بکنیم . بدیهیت که باید ناچار کل معتزله را نیز بواسطه اتحاد شان (در مسئله قضا و قدر) با قدریه یکی دانسته ، از شعب قدریه محسوب نماییم چه تمام معتزله تقریباً منکر قضا و قدر بوده ، و از آن چشم پوشیده اند . و حالانکه قدریه علیجده و معتزله گروه علیجده بوده ، از حیث تاریخ نامیس و عقائد شان نیز میتوان محووی آنها را از اهل هم نیز داد .

کعبی از آنجا ئیکه در بغداد نشو و نما یافته و در آنجا تمرکز داشت و در عین حال مذهب او نیز از آنجا آغاز بظهور می نماید . همان است ، که افکار و آرای معتزله بغداد نیز در عقائد او بی تاثیر نمانده ، بل در بعضی از موارد کامل در زیر سلطه و نفوذ آنها واقع شده ، در بسیار جایها با معتزله بصری مخالفت نموده است .

و ما خلاصه عقائد خود او و پیروانش را آنچه تا حال بنظر رسیده است ، اگر در اینجا بشکاریم ، دور از مناسبت نخواهد بود .

کعبی : (نفوذ بالله) افعال خداوندی را ناشی از اراده و مشیة او تعالی ندانسته ، صدور و وقوع آنرا بدون اراده و مشیة ادعای نماید ، و همچنین معتقد بر آن است ، که الله تعالی

نه خرد و نه خاق خود را می بیند . بجز آنکه دیدنش عبارت است از علم بنفس و بغیر .
و هكذا : الله تبارك و تعالی را سمیع بمعنی ادراك مسمی بجمع ندانسته ، در ین مورد اتصاف
او باری تعالی را بسمیع و بصیر ، بمعنی آنکه سمع و بصارتش عبارت است از ادراك بمسوعات
و مرئیات غیر تاویل میکند .

و درین مورد از افکار ابراهیم بن سيار النظام (۱) نامی نموده ، عیناً عقائد او را
اندك تحریف و با آب و تاب علیحدہ بیان کرده است .

و نیز منكر اراده او تعالی بوده میگوید؛ او تعالی حقیقاً متصف باراده نیست و معنی این که
گویند الله تعالی چیزی را اراده نمود ، آنست که همان چیز را بفعل آورد . و هم چنین اگر
گفته شود؛ که او تعالی از بندگان خود اراده فعلی نمود ، معنی آنست که بندگان خود را بهمان
فعل امر کرده است .

و گویند چنانکه وصف جدار باراده در قول او تعالی (جداراً بریدان ینقض فقامه) مجاز
است . همچنین وصف او تعالی باراده نیز در هر دو صورت مجاز است .

و بقرار نگارش سماعی در کتاب الانساب (۲) قدمای معتزله شرور بندگنرا برخلاف
اراده او تعالی تصور کرده ، انعال باری (تعالی) را بدون اراده ، ولی صادر از مشیة
او می پنداشتند . اما کعبی نشأ این کفر را دوبالا ساخته ، اراده و مشیة را نیز از او تعالی سلب
نمود . (نمود بالله) .

و این خود بانظریة آنها در باب تکلیف (معنی آنستکه فعلی اصاح را بر او تعالی ایجاب
می نمایند ، ظاهراً تناقض بهم میرساند . چه در صورت اولی اراده و مشیة را از او تعالی سلب
نموده ، در صورت ثانوی او را بصدور فعل اصاح مکلف و مجبور میداند .

وفاتش در زمان خلافت المقتدر بالله بروایتی بمسئول شعبان سال ۳۱۷ هـ مطابق ۹۲۹ م (۳)
و بروایتی ۳۲۷ هـ (۴) باتفاق پیوسته ، از خود مقالاتی در علم کلام بیادگار گذاشته که
وسیلة انفراد او در عالم ادب گردیده است .

[۱] ابواسحق ابراهیم بن سيار بن هانی النظام بصری از معتزله بصره و موسس طائفه نظامیه است
(۱۸۵ - ۲۲۱) و از اقوال اوست که میگفت ان الله لا یری شیئاً فی الحقیقة .
(۲) کتاب الانساب طبع اوقاف کرب ورق ۰۴۳۵ (۳) تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۲۶۸ ، ابن خلکان ، اعلام
الذکرکی ، قاموس الاعلام صفحاتیکه ارائه نموده شده است . (۴) ابوالفداج ۲ ص ۸۶

اسم، کتبه و نسب وی قراریکه بنظر رسیده (۱) ابو منصور محمد از هری هروی ؛ ابن احمد بن الازهر بن طلحه بن نوح بن ازهر الازهری است. و آنچه از نسب وی از هری (۲) استنباط میشود! آنست که مشارالیه مجد خود (ازهر) منسوب گشته، نه بجامع ازهر قاهره (مصر).

و اینکه سیوطی در بغیة الوعاة (۳) اسم والد او را عمده قید نموده، شاید که ابن غطلی ناشی از اشتباه مستسخ باشد، چه قرینه دلالت کننده نیز باحمد موجود است (۴) :

اصل وی چنانکه نگاشته اند (۵) از هرات، و تولدش بسال ۲۸۲ مطابق ۸۹۵ م هم در آنجا بظهور پیوسته .

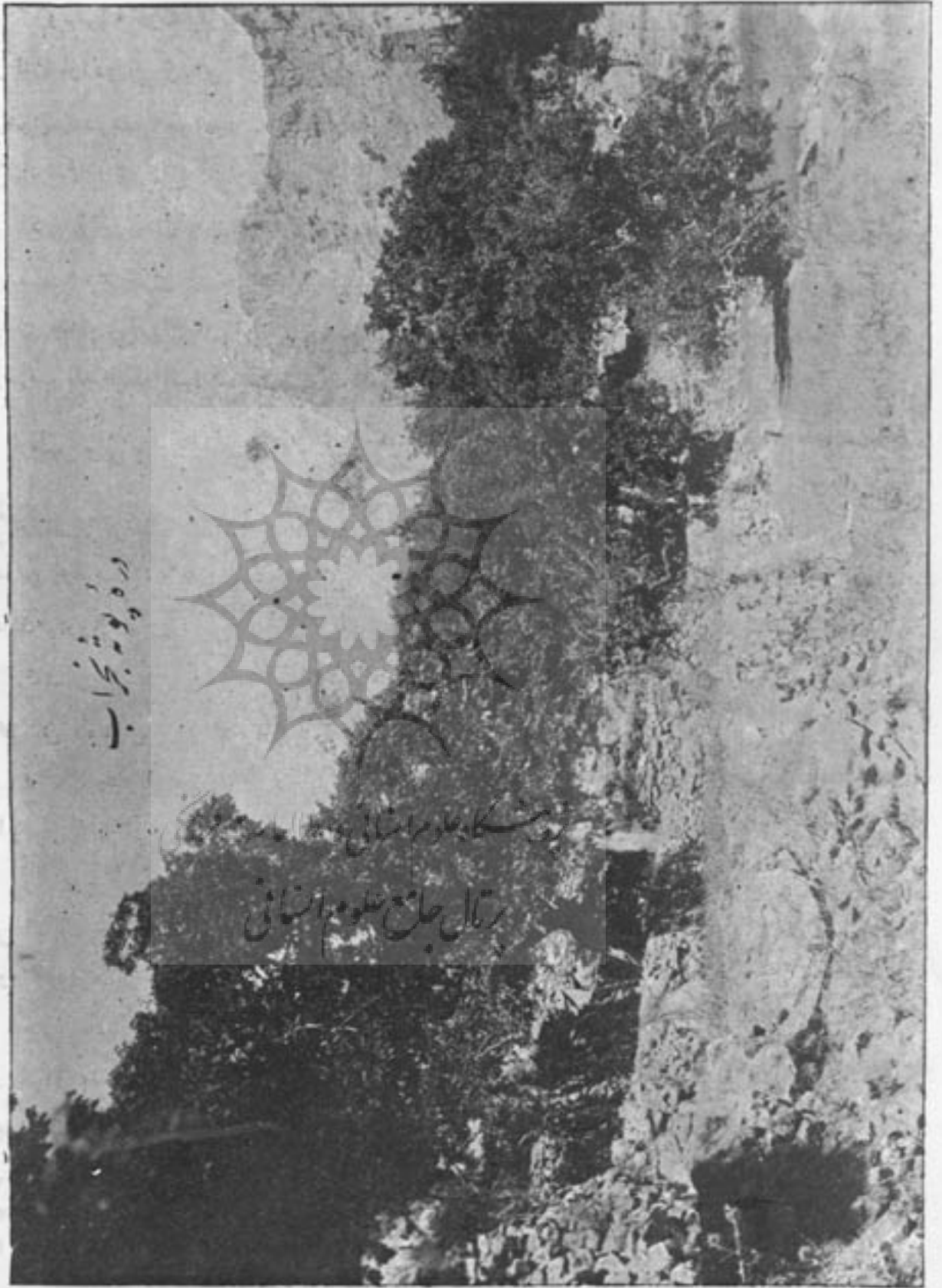
ابتدا به تحصیل فقه (فقه شافعی) پرداخته، از ربیع بن سلیمان، ابو عبدالله ابراهیم این عرفة ملقب به (قطوبه) و ابوبکر محمد بن الیری معروف بابن سراج النحوی اخذ و تعلم نموده است. از ابوالفضل محمد بن جعفر المنتدزی النحوی و او از ابوالعباس ثعلب روایت کرده، در بغداد ابوبکر بن درید را نیز دریافته است، ولی چیزی از او روایت نکرده. و هكذا در بغداد ابواسحاق زجاج نحوی و ابوبکر الانباری را نیز دیدن کرده، و اما چیزی از آن هر دو اکتساب و اخذ کرده باشد نیست. و به نقل نیامده.

سپس اثمناک و توغل عمیق و وسیعی دریافت نموده، در طلب و اکتساب آن بیاحت و مسافرتهای نقاط مختلفه عربستان می پرداخت. تا اشتهاری بسزای یافت.

تعلم و اکتساب او (لغت را) از ابو عبید هروی صاحب کتاب الفریبیین (در غریب قرآن و حدیث) نیز روایت شده (۶) .

و نویسنده در یکی از مسافرت ها اسیر قرامطه گردیده، تا زمان مدیدی با سارت آنها باقی ماند .

- (۱) وفيات الاعیان ج اول ص ۵۰۱، قاموس الاعلام مرحوم شمس الدین ج اول ص ۷۶۴، اعلام ازخیرالدین الزرکلی ج ۳ ص ۸۴۶ و ابوالفدا حوادث سنه ۴۷۰ .
- (۲) در وفيات الاعیان ج اول ص ۵۰۲ و ابوالفدا ج ۲ ص ۱۲۲ از هری بفتح همزه و سکون زای معجمه، فتح هاء و کسر رای مهله و یای نسبی آمده .
- (۳) بغیة الوعاة سیوطی ص ۸ . [۴] زیرا که در اول تراجم احوال محمدها [محمد بن احمد] را بنام (محمد بن محمد) قید نموده، رجوع شود . بغیة الوعاة .
- (۵) وفيات الاعیان، بغیة الوعاة، الاعلام للزرکلی و غیره . [۶] بغیة الوعاة سیوطی .



درة پونہ نجراب

پروفیسر سکالر اسٹالین
رتال جامع علوم انسانی

پروفیسر سکالر اسٹالین، جامعہ اسلامیہ، اسلام آباد۔
پروفیسر سکالر اسٹالین، جامعہ اسلامیہ، اسلام آباد۔

روپسرفنه درلغه ازسر بر اوردگان فقهای شافعیه بوده، در حدیث از عرفای عالی‌الاستاد است . در لغت ازائمه و رؤسای آن بشمار رفته ، از علمای جامع بشتات و مطلع بدقائق و اسرار لغت (عربی) در عصر خود بود . در تفسیر مشکلات لغات متعلقه بفقہ دسترس کابی داشته ، در فضل نطق ، درایت و تورع او کسی را بحث نیست ،

در آواخر سال ۲۷۰ هـ (۱) مطابق ۹۸۱ م . و بروایتی (تنها ابن خلکان روایت کرده) ۳۷۱ هجری در هرات از نخبان فانی در گذشته ، دا رای تصانیف متعدده در علوم مختلفه ثبت . از جمله کتاب التہذیب در لغت زیاده از (۱۰) ده مجلد و تصنیف دیگری در غریب الفاظیکه فقہا استعمال کرده اند در یک مجلد از مشاہیر تصنیفات اوست .

یعنی محمد بن یوسف الہروی ، کہ سمانی در کتاب الانساب در مادۃ الہروی :

(ہروانی) کنیۃ، اسم و نسب اورا در تحت عنوان (ہروانی کہ نسبت بہرات است) چنین نسکاشته و ماعیناً بدون تحریف بہ نقل آن در اینجا می یازیم (۲) ابو . محمد بن یوسف . الہروی ثم الدمشقی (اسلوی از ہرات است ولی در دمشق تولد و در آنجا نشو و نما یافته . و از آنرو بعضی ہا اورا الہروی ثم الدمشقی ضبط نموده اند .

محمد بن یوسف از مشاہیر محدثین و اجلہ روای حدیث بوده ، بروایت سمانی حدیث را از محمد بن احمد بن یزید الا نصاری روایت میکنند .

و ابوالقاسم - لیجان بن احمد بن ابوبطبرانی و حاکم (۱) ابو احمد محمد بن احمد اسحاق الحافظ و ابوبکر ابراہیم بن المقرئ و غیر شہم از روای حدیث و کلام اند .

و با وجودیکہ از سال تولد و وفاتش اطلاعی بدست نیست . باز ہم از قرینہ و زمان حیات بعض اشخاصیکہ از او روایت کرده اند . بظن غالب اینقدر میتوان حدس زد ؛ کہ تا اواخر قرن سیوم ہجری در قید حیات بوده است .

چہ سمانی در کتاب الانساب . مینویسد ؛ کہ طبرانی از وی روایت حدیث کرده و بدیہست کہ تولد طبرانی در سال ۲۶۰ هـ بوده و وفاتش بسال ۳۶۰ هـ بممر (۱۲۰) صد سالگی است (۲) و بجز از قاموس العلوم (بحر الجواهر) دیگر تالیفی از او بنظر نرسید (۳) . (باقی دارد)

۱ - وفیات الاعیان ج اول ص ۵۰۲ والا اعلام زرکنی ص ۸۴۶ . ابوالفدا حوادث سال ، ۲۷۰

۲ - کتاب الانساب سمانی طبع اوطاف کتب ورق ۵۹۰

۳ - حاکم شاید کہ حاکم نیشاپوری صاحب مستدرک فی الصحیحین ، امالی و صحیح در حدیث « از جملۃ صحاح ستہ » باشد کہ سمانی اشتیہا نام و نسب او را چنین قید نموده .

۴ - وفیات الاعیان ج اول ص ۲۱۵ و دائرۃ المعارف و جندی جلد ۵ ص ۶۷۵ .

۵ - قاموس الاعلام ج ۶ ص ۴۱۹۵ .